

شاخص‌های سرمایه اجتماعی مؤثر بر رضایتمندی ساکنان

سکونتگاه‌های غیررسمی

(مطالعه موردی: محله فرحزاد شمالی، تهران)

صبا خراسانی مقدم^۱، فرهنگ مظفر^{۲*}، سید باقر حسینی^۲

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

۲. دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۸)

چکیده

با مطرح شدن توسعه پایدار شهری، لزوم دستیابی به کیفیت زندگی مناسب و تأمین رضایتمندی ساکنان، پدیده اسکان غیررسمی با دیدی جامع تر توسط محققان مطالعه می‌شود. سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از معیارهای اصلی توسعه پایدار، بر کیفیت زندگی و رضایتمندی از کیفیت زندگی تأثیر شایان توجهی دارد. هدف پژوهش حاضر تعیین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی مؤثر بر رضایتمندی ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی و تبیین ارتباط این دو مفهوم در چارچوب اهداف توسعه پایدار است. مطالعه حاضر در سطح سکونتگاه غیررسمی محله فرحزاد تهران با روش توصیفی-همبستگی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه است. حجم نمونه معادل ۱۱۰ نفر بوده و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام گرفته است. طبق نتایج، رضایتمندی از کیفیت زندگی در حد متوسط $2.72 < 1$ ، با میانۀ نظری ۳ ارزیابی شد. همچنین، در سطح اطمینان ۹۵ درصد ابعاد اعتماد غیررسمی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد رسمی، احساس امنیت، حمایت اجتماعی، همیاری، وساطت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همکاری و انسجام اجتماعی، بر رضایتمندی تأثیر مثبت و معنادار دارند. براساس نتایج رگرسیون چندگانه، متغیر وابسته به‌طور مستقیم از متغیرهای اعتماد غیررسمی، حمایت اجتماعی، همیاری، مشارکت اجتماعی و اعتماد رسمی، تأثیر می‌پذیرد و این متغیرها حدود ۵۲ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

کلیدواژگان

اسکان غیررسمی، رضایتمندی، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: Fmozafar@aui.ac.ir

مقدمه

توسعه فیزیکی شتابان و نامتعادل شهرها، پیامدهای نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بسیاری داشته است. یکی از آثار و پیامدهای این توسعه حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی^۱ است. سکونتگاه غیررسمی شکلی از اسکان گروه‌های کم‌درآمد و مهاجر در نقاط آسیب‌پذیر است که به صورت خودرو و فاقد مجوز رسمی ایجاد می‌شود (UN-Habitat, 2013). با توجه به فقدان پاسخ مناسب به افزایش تقاضای مسکن در شهرهای مهاجرپذیر اسکان غیررسمی راه‌حلی منطقی است که افراد در پاسخ به نیاز سرپناه خویش اندیشیده‌اند (Nassar & Elsayed, 2017, p.2). یکی از مهم‌ترین مشکلات این مناطق، کیفیت پایین زندگی شهری است. با افزایش جمعیت و رشد شهرنشینی، این سکونتگاه‌ها با مشکلات اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و زیست‌محیطی مواجه شدند که به کاهش کیفیت زندگی شهری منجر شده (شکری فیروزجاه و غنی‌پور، ۱۳۹۵، ص ۵۲) و زمینه را برای بروز ناهنجاری‌ها و ناپایداری توسعه شهری تشدید کرده است (شیعه و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۷۸). امروزه یکی از اهداف اصلی توسعه پایدار، کیفیت زندگی و تأمین رضایت افراد است. آینده زندگی بشر متکی بر درک بهتر عواملی است که بر کیفیت زندگی انسان تأثیر می‌گذارد و موجب افزایش رضایتمندی وی می‌شود (غفاری و اونق، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰). بخشی از این عوامل مربوط به کیفیت روابط انسان با سایر افراد جامعه، گروه‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی است که از آن با عنوان «سرمایه اجتماعی»^۲ یاد می‌شود. سرمایه اجتماعی به عنوان «دارایی که در میان اجتماعات جاری است»، در تأمین رضایتمندی ساکنان از نظر زمینه‌سازی مشارکت مثبت و فعال افراد در زندگی اجتماعی و نیز تأثیرگذاری ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در چگونگی رفتار افراد نقش بسزایی دارد (تقی‌لو، ۱۳۸۷، ص ۲۴۹).

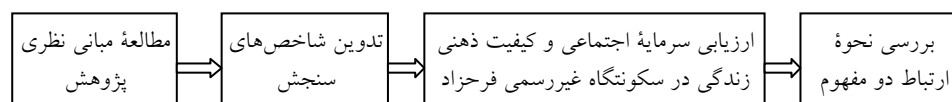
در ایران نیز شهرنشینی با روندی سریع همراه بوده و این رشد معضلات بسیاری برای شهرها به دنبال داشته است (روستایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰). شهر تهران به علت داشتن رشد طبیعی

1. Informal Settlement

2. Social capital

جمعیت، مهاجرپذیری بالا و جایگاه اول سیاسی و اداری در کشور، تحولات جمعیتی و کالبدی زیادی دیده که از عمده‌ترین آن‌ها شکل‌گیری پهنه‌های اسکان غیررسمی در نواحی مختلف آن است. سکونتگاه غیررسمی فرحزاد واقع در بافت محله فرحزاد به عنوان نمونه‌ای از سکونتگاه‌های غیررسمی درون‌شهری تهران، گروه‌های فرهنگی متعددی را در خود جای داده که این مسئله باعث ظهور مجموعه‌ای نامتوازن از نظر سطوح کیفیت زندگی و اشکال ارتباطات شده است. این محدوده از آنجا که با مسائل حادث‌تری از جمله جوان‌بودن مواجه است، یکی از چند سکونتگاه غیررسمی است که ارتقا و توانمندسازی آن از طریق افزایش سرمایه اجتماعی اهمیت بالایی دارد و ضعف در ابعاد گوناگون سرمایه اجتماعی در این ناحیه بر لزوم مطالعه این بعد و ارتباط آن با کیفیت زندگی تأکید می‌کند (خوشفر و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۵۳).

پژوهش حاضر براساس مفهوم «سرمایه اجتماعی» به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم توسعه پایدار به تعیین «شاخص‌های سرمایه اجتماعی» مؤثر بر «رضایتمندی از کیفیت زندگی» پرداخته و با سنجش این مفاهیم، در پی شناخت رابطه‌ای است که شاخص‌های سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل با رضایتمندی از کیفیت زندگی به عنوان متغیر وابسته دارند. دو پرسش اساسی پژوهش به این شرح است: ۱. آیا بین سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد؟ ۲. کدام مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی قادر به تبیین بیشتر واریانس رضایتمندی از کیفیت زندگی می‌باشند؟



شکل ۱. فرایند کلی پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش، وجود معنادار میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی با رضایتمندی از کیفیت زندگی است. به نظر می‌رسد با افزایش سرمایه اجتماعی نقش فعال کنشگران اجتماعی، دستیابی به منابع، خدمات و فرصت‌ها و نیز قابلیت‌ها به منظور مشارکت آگاهانه در جامعه غیررسمی افزایش یابد و با پایدارسازی و بهبود شرایط اجتماعی این سکونتگاه‌ها، رضایتمندی بیشتری حاصل شود.

مبانی نظری پژوهش

اسکان غیررسمی

شهرها در کشورهای در حال توسعه به تناسب افزایش جمعیت به سرعت در حال گسترش هستند. با تمرکز فقر در شهرها و به موازات صنعتی شدن جهان، مشکل نابرابری خدمات رسانی و مسکن پرازدحام، به مثابه جنبه‌ای نامطلوب از زندگی شهری نمایان شد. چنین روندی با عینیت یافتن جنبه‌های کالبدی فقر در قالب محله‌های فقیرنشین و اسکان غیررسمی، به مشخصه اکثر شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه تبدیل شد (Kellett, 2011, p.3). برای اولین بار در تاریخ، بیش از نیمی از مردم جهان، یعنی ۵۴ درصد در سال ۲۰۱۴، در شهرها زندگی می‌کنند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ این نسبت به ۶۶ درصد افزایش یابد (UN-Habitat, 2014).

سابقه پرداختن به اسکان غیررسمی، به نوشته‌های متفکرینی چون مارشال کلینارد^۱، رابرت پارک^۲، جان ترنر^۳ و چارلز آبرامز^۴ بازمی‌گردد (پیران، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷، ص ۵۲). کلینارد در تعریف سکونتگاه غیررسمی چنین می‌گوید: «سکونتگاه غیررسمی، خرده‌فرهنگی با مجموعه‌ای از هنجارهاست که در محل‌هایی با بهداشت کم، انحرافات اجتماعی و ویژگی‌هایی از جمله انزوای اجتماعی همراه است». به اعتقاد ترنر «مسکن خودساخته تهیدستان شهری، نوعی برنامه‌ریزی مردمی در جوامعی است که برای مسکن اقشار کم‌درآمد برنامه‌ای ندارند» (Turner, 1982). پرویز پیران (۱۳۸۲) اسکان غیررسمی و مسکن خودساخته را «مهم‌ترین الگوی انطباق با فقر روبه‌رشد شهری» می‌داند. به اعتقاد پیری (۱۳۹۳) این نوع سکونتگاه با ابعاد مختلف خود، نمایشی فضایی-کالبدی از اجتماع‌پذیری غیراجتماعی افراد و گروه‌هاست.

امروزه اسکان غیررسمی که به‌طور عمده با تصرف و ساخت غیررسمی زمین و مسکن، رعایت نکردن ضوابط شهری، کمبود خدمات زیرساختی، رشد سریع کالبدی و جمعیتی، اشتغال

-
1. Marshall Clinard
 2. Robert Ezra Park
 3. John Turner
 4. Charles Abrams

غالب غیررسمی، ناپایداری سازه‌ای و تأسیساتی، پایین بودن سرانه‌های خدماتی، ناپایداری درآمد و در نهایت، بستر کالبدی مناسب برای رشد آسیب‌های اجتماعی و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های کج‌رو شناخته می‌شود، تبدیل به چالشی بزرگ در کلان‌شهرها شده است (شیعه و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۰).

طی دو دهه گذشته سکونتگاه‌های غیررسمی بیش از پیش با مفهوم توسعه پایدار گره خورده‌اند (ایراندوست، ۱۳۸۹، ص ۲۵). این پدیده با بروز آسیب‌های فراوان کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی نتایجی مانند افزایش فقر شهری و کاهش رفاه و کیفیت زندگی گروه کم‌درآمد را به همراه دارد (Nassar & Elsayed, 2017, p.2) و مهم‌ترین هدف توسعه پایدار یعنی بهبود کیفیت زندگی و رضایتمندی ساکنان را با تهدید جدی روبه‌رو کرده است. به نظر می‌رسد بدون ارتقای شرایط موجود، اسکان غیررسمی به معضلی حل‌نشده در مقابل توسعه پایدار شهری تبدیل خواهد شد (صراف، ۱۳۸۷، ص ۶). پایدارسازی و بهبود شرایط اجتماعی این سکونتگاه‌ها یکی از اصلی‌ترین اهداف نظام مدیریت شهری است. در این میان، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری در این سکونتگاه‌ها از تعاملات روزانه ساکنان این محلات شکل می‌گیرد. این سرمایه که حاصل اعتماد، قدرت و شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی است، در صورتی که در راستای هنجارگرا بازسازی و تقویت شود، به انسجام و پایداری اجتماعی این محلات کمک می‌کند (شفیعا و شفيعا، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰).

سرمایه اجتماعی

انسان‌ها، همواره در جست‌وجوی یافتن منابعی هستند که امکان تحقق اهداف آن‌ها را افزایش دهد. اینکه چه افرادی را می‌شناسیم و بین ما و دیگران چه نوع ارتباطی برقرار است، در تعیین دستاوردهای زندگی ما نقش مهمی دارد. جامعه‌شناسان از این عامل با عنوان سرمایه اجتماعی نام می‌برند. سرمایه اجتماعی در متون نظری توسعه، به‌طور گسترده شناخته شده است و پیامدهای مثبتی در رفاه اجتماعی دارد. نبود سرمایه اجتماعی، باعث می‌شود افراد در جامعه مشارکت کمتری داشته باشند و به حاشیه رانده شوند (قادری و تقوی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). در جدول ۱ مجموعه‌ای از تعریف‌های محققان از سرمایه اجتماعی بیان شده است.

جدول ۱. تعریف‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی

پژوهشگر(ان)	تعریف سرمایه اجتماعی
بوردیو (۱۹۸۶)	سرمایه اجتماعی مجموعه منافع بالفعل و بالقوه‌ای است که به داشتن شبکه‌ای از روابط متقابل ناشی از آشنایی، مورد پذیرش قرار گرفتن و شناخته شده بودن، مربوط است
کلمن (۱۹۹۰)	سرمایه اجتماعی جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی را شامل می‌شود و کنش‌های معین افرادی را که درون ساختارند، تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی به کنشگر اجازه می‌دهد با استفاده از آن به منافع خود دست یابد و ارتباط میان افراد تسهیل شود.
پاتنام (۱۹۹۵)	سرمایه اجتماعی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی است، که همکاری اعضا را برای رسیدن به منافع مشترک تحصیل می‌کند.
فوکویاما (۱۹۹۷)	سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی موجود در سیستم‌های اجتماعی است، که همکاری میان دو یا چند نفر را ارتقا می‌بخشد.
گیدنز (۱۹۹۸)	سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه روابط، تعهد و اعتماد اجتماعی که در جوامع سستی، درون‌گروهی و در جوامع مدرن وسیع و تعمیم‌یافته است
اونیکس و بولن (۲۰۰۰)	سرمایه اجتماعی مشارکت در اجتماع محلی، کنشگرایی در یک موقعیت اجتماعی، احساس اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بهادادن به زندگی، پیوندهای کاری، پیوندهای دولتی و خانوادگی را شامل می‌شود.
لی و همکاران (۲۰۰۳)	سرمایه اجتماعی در قالب دلبستگی محله‌ای، شبکه اجتماعی و مشارکت مدنی قابل مفهوم‌سازی است. دو دسته نخست در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و دسته سوم در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی رسمی قرار می‌گیرند.
دراکر و کاپلان (۲۰۰۳)	سرمایه اجتماعی به‌عنوان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و شهروندی اطلاق می‌شود که اعتماد بین افراد جامعه را نیز شامل می‌شود.
مارموت و بل (۲۰۱۱)	سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها و ارزش‌ها است که همکاری درون‌گروهی و بین‌گروهی را برای رسیدن به اهداف مشترک تسهیل می‌کند.
پیران (۱۳۸۵)	مفاهیم روزمره مانند مصاحبت و مراوده بین افراد و خانواده‌ها، یک واحد اجتماعی را شکل می‌دهند. اگر یک فرد با همسایه خود ارتباط برقرار کرده و آن دو با همسایگان دیگر ارتباط برقرار کنند، در این صورت یک انباشت از سرمایه اجتماعی به وجود می‌آید.

منبع: محقق ساخته، ۱۳۹۶

براساس جدول ۱، نظریه‌ها و تعریف‌های سرمایه اجتماعی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست بر ویژگی‌های «فردی» سرمایه اجتماعی تأکید می‌کنند و آن را محصول فرایندهای شبکه‌ای می‌دانند. در حالی که دسته دوم بر ویژگی‌های «جمعی» سرمایه اجتماعی تمرکز دارند و تجربه مشغولیت در سازمان‌های مدنی را به عنوان امری حیاتی برای آثار مثبت سرمایه اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهند.

کیفیت زندگی و رضایتمندی

کیفیت زندگی به معنای دارا بودن منابع ضروری برای تأمین نیازها، خواسته‌ها، شرکت در فعالیت‌ها، خودباوری و مقایسه رضایتمندی بین خود و دیگران است (Bowling, 1997). میزان کیفیت زندگی شهری به میزان جوابگویی سکونتگاه‌ها به نیازهای اساسی انسان بازمی‌گردد و نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی، کالبدی و فرهنگی محیط در یک ناحیه است که به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی، روانی و مادی افراد به کار می‌رود (عظیمی، ۱۳۸۹، ص ۴). کیفیت زندگی تا حد زیادی با جنبه‌هایی از زندگی شخصی مانند آرزوها، انتظارات، رضایت و غیره تعیین می‌شود. کاتر^۱ (۱۹۸۵) این کیفیت را شادمانی فردی یا رضایتمندی از زندگی و محیط به همراه نیازها و امیال، همچنین، دیگر عوامل محسوس و نامحسوس که خرسندی کلی را تعیین می‌کنند، تعریف می‌کند. محققان بسیاری از جمله لی^۲ (۲۰۰۸)، مارانز (۲۰۰۳)، ماسام (۲۰۰۲) و تراکسرر و آتالیک (۲۰۰۱)، تعریف جامعی از این مفهوم را به رسمیت شناخته‌اند. براساس این تعریف، کیفیت زندگی دو بعد مرتبط دارد و معطوف به تأمین نیازهای مادی و معنوی در دو وجه «ذهنی» و «عینی» است. جنبه ذهنی عبارت است از کیفیت زندگی افراد متکی بر ابزار پیمایش، برای به دست آوردن ارزیابی آن‌ها از تجارب زندگی در قالب گزارش شخصی از رضایتمندی، شادی و رفاه که در آن معرف‌های ذهنی مانند رضایتمندی و

1. Cutter

2. Lee

خوشبختی به عنوان معرف‌های سنجش یاد می‌شوند. در رویکرد عینی بر شرایط عینی زندگی و معرف‌های مرتبط با آن تأکید شده و کیفیت زندگی در گرو ارضای نیازهای اولیه زندگی است. در این بعد شاخص‌هایی مانند تولید اقتصادی، نرخ باسواد، یا انتظار از زندگی را بدون ارزیابی ذهنی افراد می‌توان سنجید (Costanza, 2007).

در تحقیقات انجام گرفته، شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی برای اهداف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نسبت به شاخص‌های عینی برتر هستند، زیرا این شاخص‌ها بازخوردهای ارزشمندی را برای برنامه‌ریزان فراهم می‌کنند (Lee, 2008, p.18). به اعتقاد محققان می‌توان از افراد پرسید تا چه حد احساس خوشبختی می‌کنند، زیرا مردم غالباً تصویر روشنی از کیفیت زندگی خود در ذهن دارند و می‌دانند که تحت چه شرایطی در زندگی احساس خوشبختی خواهند کرد (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳).

پژوهش‌های بی‌شماری بر مقوله «رضایت» به عنوان مفیدترین شاخص سنجش «کیفیت زندگی» ذهنی تأکید می‌کنند. بسیاری از محققان، مراحل درک میزان رضایتمندی افراد را با دیدگاه ادراکی توصیف کرده‌اند؛ بدین ترتیب که شخص، با توجه به مجموعه‌ای از نیازها و آرزوها، شرایط فعلی کیفیت زندگی خویش را ارزیابی می‌کند (Michelson, 2001). نیازها و آرمان‌های شخص مجموعه‌ای از هر دو ویژگی‌های فردی (مانند طبقه اجتماعی و مرحله زندگی) و نیز معیارهای فرهنگی تأثیرگذار بر فرد است. اگر شرایط فعلی در سازگاری نزدیک با همان چیزی باشد که فرد برای نیازهایش تعریف کرده است، رضایتمندی حاصل می‌شود. در نگاه به متغیر رضایت از زندگی دو رویکرد نظری وجود دارد؛ در رویکرد نخست، رضایت از زندگی به عنوان سازه‌ای چندبعدی در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، ابتدا درباره حوزه‌های متفاوت زندگی پرسش می‌شود و در نهایت، به جمع آن‌ها پرداخته می‌شود تا رضایتمندی از زندگی حاصل شود. در جدول ۲، ابعاد رضایتمندی از زندگی به عنوان سازه‌ای چندبعدی، در پژوهش‌های مختلف گردآوری شده است.

جدول ۲. ابعاد رضایتمندی از کیفیت زندگی به مثابه سازه‌ای چندبعدی

منبع	ابعاد رضایتمندی از زندگی
نایی (۱۳۷۵)	رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از مسکن، رضایت از شغل، رضایت از تندرستی
عظیمی (۱۳۸۲)	رضایت از خود، دوستان، خانواده، محیط زندگی و محیط کار
علیخواه (۱۳۸۳)	رضایت از زندگی خانوادگی، رضایت از همسر و فرزند، رضایت از روابط اجتماعی همکاران و همسایگان، رضایت از درآمد
اباذری (۱۳۸۳)	رضایت مالی، رضایت فردی، رضایت اجتماعی سیاسی
محسنی (۱۳۸۰)	رضایت از ازدواج، رضایت از اشتغال، رضایت از اوقات فراغت
آدامز (۱۹۶۹)	رغبت به زندگی، تناسب میان اهداف دست‌یافته با آرزوها، شادبودن و نگاه مثبت
تراکسرر و آتالیک (۲۰۰۱)	سطح انتظارات از زندگی، برآورده شدن آرزوها

منبع: محقق ساخته، ۱۳۹۶

به عقیده محققان در نظر گرفتن ابعاد یادشده برای رضایت از زندگی معتبر نیست؛ زیرا قائل شدن به ابعادی برای یک متغیر و بیان تعداد آن ابعاد، براساس مفاهیم نظری امکان‌پذیر است و تقسیم‌بندی‌های آماری نمی‌تواند مبنای درستی برای آن باشد. به عبارتی، این ابعاد متغیرهای پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی محسوب می‌شود، نه اجزای آن (قهرمان، ۱۳۸۹، ص ۸۷). در رویکرد دوم رضایت از زندگی به عنوان یک متغیر بسیط فاقد ابعاد است و اگر در تحقیقات، از گویه‌های متعدد برای سنجش آن استفاده شده است، قصد محقق، ارتقای سطح سنجش آن بوده؛ هرچند در برخی تحقیقات برای سنجش یک گویه به کار گرفته شده است (قهرمان، ۱۳۸۹، ص ۸۹-۸۷). در بسیاری پژوهش‌ها مشاهده می‌شود که محقق با در نظر گرفتن رضایتمندی به عنوان یک متغیر بسیط، به صورت مستقیم از وضعیت کنونی زندگی فرد پرسش کرده است. برای نمونه به کارگیری گزینه‌هایی مانند «من در زندگی ام خشنودم»، «چنانچه قرار باشد به زندگی ادامه دهم، هیچ چیز را تغییر نخواهم داد» و یا پاسخ به این پرسش که «آیا به طور کلی از زندگی خود راضی هستید؟» در قالب طیف چندگزینه‌ای لیکرت، میان این گروه محققان رایج است (Lackland, 2001, pp.322-324). براساس این رویکرد در پرسش از کیفیت زندگی بهتر است به پرسش درباره حالات گوناگون فرد پرداخته شود و با ارزیابی آن‌ها، رضایت کلی فرد از زندگی حاصل شود.

پیشینه پژوهش

سرمایه اجتماعی در تعیین رضایت از زندگی نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد. تداوم تعهد فرد به نظام اجتماعی، در رضایت از خود، جامعه و به‌طور کلی شرایط زندگی وی ریشه دارد. هر فرد از طریق تحلیل شرایط پیرامون، می‌تواند اوضاع فردی خویش را دریابد و آن را ارزیابی کند. مؤلفه‌های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی فرد، تحلیل ذهنی او از شرایط خود و جامعه در مقایسه با دیگران است. اگر ارزیابی فرد از زندگی خود به نتایج منفی منجر شود، این احساس منفی بسیاری از گرایش‌های وی به وضعیت فردی و شرایط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (معیدفر و ذهانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۶). به اعتقاد بوردیو (۱۹۸۶) در میان انواع مختلف سرمایه، سرمایه اجتماعی اهمیت خاصی دارد، زیرا رابطه روشنی با جایگاه فرد در شبکه‌های اجتماعی دارد و این جایگاه است که میزان بهره او از کیفیت‌های مطلوب زندگی را مشخص می‌کند. به اعتقاد پاتنام (۱۹۹۵) همبستگی مثبتی میان متغیرهای سلامت و احساس خوشبختی با سرمایه اجتماعی وجود دارد؛ به‌طوری که افراد با سرمایه اجتماعی بالاتر کمتر از ضعف سلامتی جسمانی و روانی رنج می‌برند. او به همبستگی بین سرمایه اجتماعی و تمام شرایط اجتماعی مثل نرخ پایین جرم و جنایت، سطح بالای تولید ثروت، حد بالای سلامت و احساس خوشبختی و رضایتمندی از زندگی اشاره کرده است (محمدی، ۱۳۸۴، ص ۸۰-۷۴). هارفام (۱۹۹۴)، بر این باور است سرمایه اجتماعی عوامل استرس‌زا را در زندگی کاهش می‌دهد و بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد. وایتفورد (۲۰۰۰)، نیز معتقد است عوامل اجتماعی، تعیین‌کننده رضایت از زندگی هستند و هرچه انسجام اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، افراد از رضایت بیشتری بهره‌مند خواهند بود.

تحقیقات تجربی در ایران نیز نشان داده است بین سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد. اونیق (۱۳۸۴) در پژوهشی به تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر گنبدکاووس پرداخته است. طبق نتایج، رابطه بین دو سازه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. ماجدی و لهسایی‌زاده (۱۳۸۵)، به بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی پرداخته‌اند. نتیجه این

تحقیق نشان داد سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می‌انجامد و سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای رضایت از کیفیت زندگی است. وصالی و توکل (۱۳۹۱)، در پژوهشی با بررسی تأثیر انواع سرمایه بر کیفیت زندگی شهروندان تهرانی، تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی افراد را تبیین می‌کنند. براساس نتایج تحقیق آن‌ها، سرمایه اجتماعی در همه ابعاد، با متغیر کیفیت زندگی رابطه دارد.

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف بررسی شده است. گروهی از اندیشمندان مانند برهم و رهن (۱۹۹۷)، فیلد (۱۳۸۸) و آدلر (۲۰۰۰)، موضوع سرمایه اجتماعی را مسئله تعاملات اجتماعی بیان می‌کنند. در مقابل اندیشمندان دیگر مانند ادواردز (۲۰۰۴) و فوکویاما (۱۳۸۴)، توجه خود را بر ارزش‌ها و هنجارها متمرکز کرده‌اند. به عقیده ناهاپیت و گوشال (۱۹۹۸)، سرمایه اجتماعی متشکل از سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی است که به ترتیب مشتمل بر پیوندهای موجود در شبکه، شکل و ترکیب شبکه، تناسب سازمانی، زبان و روایت‌های مشترک، اعتماد، هنجارها، روابط متقابل و تعیین هویت مشترک هستند. پاکستون (۱۹۹۹)، با تقسیم‌بندی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به دو دسته پیوندهای عینی و ذهنی، بر این عقیده است که پیوندهای عینی، در یک ساختار شبکه‌ای افراد را به یکدیگر مرتبط می‌کنند و در مقابل پیوندهای ذهنی، به پیوندهای عاطفی افراد با یکدیگر اشاره دارند. اینگلهارت نیز از شاخص‌های اعتماد، برای سنجش سرمایه اجتماعی استفاده کرده است. شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی در پژوهش‌های مختلف در جدول ۳ گردآوری شده است.

برای سنجش سرمایه اجتماعی دو روش مستقیم و غیرمستقیم مرسوم است. در روش سنجش مستقیم براساس دیدگاه پاتنام، مؤلفه‌های اعتماد، هنجارگرایی و اتصال به شبکه‌های اجتماعی سنجش می‌شود، اما در سنجش غیرمستقیم، براساس دیدگاه فوکویاما، هر شاخصی که به شکلی از سرمایه اجتماعی متأثر شود، مورد توجه قرار می‌گیرد و اندازه‌گیری آن‌ها، معادل میزان سرمایه اجتماعی موجود فرض می‌شود.

جدول ۳. شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی

محقق	شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی
بورديو (۱۹۸۶)	قصد خیر، دوستی، علاقه‌مندی دوسویه، روابط اجتماعی، احترام متقابل
کلمن (۱۹۹۰)	روابط اجتماعی، منافع فردی، ساختارهای اجتماعی
فوکویاما (۱۹۹۵، ۱۹۹۹)	هنجارهای غیررسمی مشترک بین اعضای گروه، تعاون و همکاری، میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دادخواهی
پاتنام (۱۹۹۵)	شبکه‌های رسمی و غیررسمی، هنجارها و اعتماد
بانک جهانی (۱۹۹۸)	گروه‌ها و شبکه‌ها، اعتماد و همکاری، فعالیت‌های جمعی، اطلاعات و ارتباطات، همبستگی، توانمندسازی فعالیت
اونیکس و بولن (۲۰۰۰)	مشارکت در اجتماعی محلی، کنشگرایی در موقعیتی اجتماعی، اعتماد و امنیت، پیوندهای همسایگی، ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها، بهادادن به زندگی، پیوندهای کاری، پیوندهای دولتی و خانوادگی
لی، ساویچ و پیکلز (۲۰۰۳)	پیوندهای همسایگی، شبکه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی
پیران (۱۳۸۵)	مصاحبت و همراهی در واحد اجتماعی، انباشت سرمایه، رفع نیاز

منبع: محقق ساخته، ۱۳۹۶

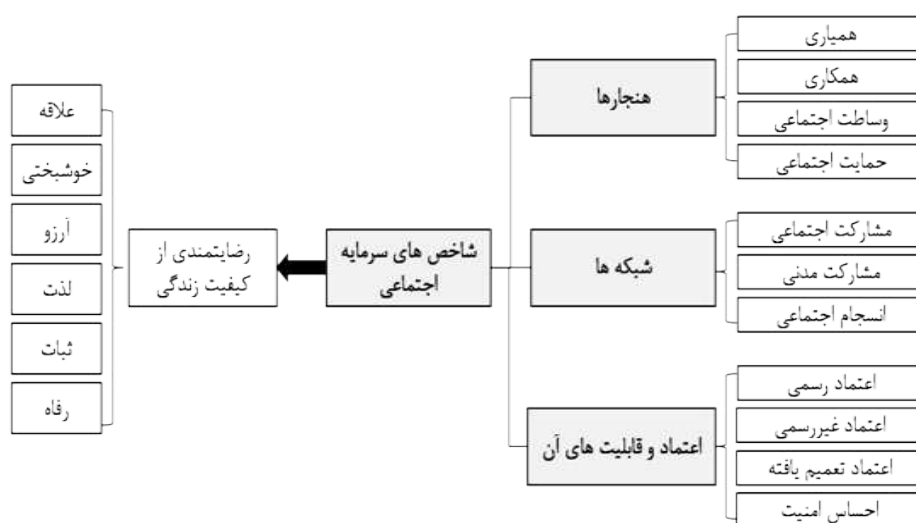
جدول ۴. شاخص‌های سنجش مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی در تحقیقات مختلف

نوع سنجش	شاخص‌ها	پژوهشگر تأییدکننده
دیدگاه نهادی (سازمانی)	اعتماد (به همسایه‌ها، سایر	
	قومیت‌ها، صاحبان کسب‌وکار،	گیدنز (۱۳۷۷)، پیران و همکاران (۱۳۸۵)، نوابخش و فدوی (۱۳۸۷)
	شورایاری، شهرداری، نیروی	میگنون (۲۰۰۳)، ادواردز (۲۰۰۴)، پاتنام (۱۹۹۳)، باک (۲۰۰۵)
	انتظامی و دولت)	
دیدگاه فرهنگی (سازمانی)	هنجارگرایی	کلمن (۱۹۹۰)، اونیکس و بولن (۲۰۰۰)
	اتصال به شبکه‌ها	کلمن (۱۹۹۰)، پاتنام (۱۹۹۳)
	مشارکت	پیران و همکاران (۱۳۸۵)، نوابخش و فدوی (۱۳۸۷)، هارپر و کلی (۲۰۰۳)، اونیکس و بولن (۲۰۰۰)
	وابستگی به جامعه محلی	اونیکس و بولن (۲۰۰۰، ۱۹۹۸)، بانک جهانی (۱۹۹۸)، استون (۲۰۰۱)
دیدگاه فونکری (سازمانی)	اختصاص زمان برای حل مشکلات همسایه‌ها	اونیکس و بولن (۱۹۹۸)، بانک جهانی (۲۰۰۴)
	کمک‌های خیریه در محله	شریفیان ثانی و ملکی سعیدآبادی (۱۳۸۵)
	دوستان صمیمی در محله	بانک جهانی (۱۹۹۸)، اونیکس و بولن (۲۰۰۰، ۱۹۹۸)، استون (۲۰۰۱)
	احساس امنیت در محله	اونیکس و بولن (۲۰۰۰)
	شناخت اعضای شورایاری محله	پاتنام (۱۹۹۳)

منبع: محقق ساخته، ۱۳۹۶

مدل مفهومی پژوهش

شکل ۲، براساس مباحث یادشده روابط بین متغیرهای پژوهش را در قالب مدل مفهومی نشان می‌دهد. در این مدل سرمایه اجتماعی با سه شاخص و یازده معرف و رضایتمندی از کیفیت زندگی با شش معرف بررسی می‌شود.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

تعریف متغیرها

متغیر مستقل پژوهش: سرمایه اجتماعی

در تحقیق حاضر با توجه به قرابت بیشتر با موضوع پژوهش، روش سنجش مستقیم براساس دیدگاه «پاتنام» به کار گرفته شده است و مفاهیم «اعتماد و قابلیت‌های آن»، «هنجارها» و «شبکه‌ها»، به عنوان شاخص‌های سنجش مورد توجه می‌باشند:

اعتماد: نگرش مثبت میان اعضای شبکه را که به سبب تعامل دوجانبه حاصل می‌شود، اعتماد می‌گویند. این متغیر از جنبه‌های اساسی روابط انسانی است که زمینه‌ساز مشارکت میان اعضای جامعه است. در این پژوهش اعتماد از طریق معرف‌های «اعتماد رسمی»، «اعتماد غیررسمی»،

«اعتماد تعمیم‌یافته» و «احساس امنیت» سنجش شده است. «اعتماد رسمی» بیان‌کننده اعتماد به گروه‌های اجتماعی است و در فرایند روابط اجتماعی بین افراد و سازمان‌های اجتماعی شکل می‌گیرد (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳). «اعتماد غیررسمی» داشتن اطمینان به نزدیکان و اعضای خانواده، بستگان و دوستان است. «اعتماد تعمیم‌یافته» داشتن حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی است که به گسترش روابط برون‌گروهی منجر می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵). «احساس امنیت» میزان احساس آرامش افراد در خانه یا قدم‌زدن در کوچه و خیابان‌های شهر در طول شبانه‌روز را دربرمی‌گیرد (Onyx & Bullen, 2000).

هنجارگرایی: میزان مطابقت سرمایه اجتماعی با هنجارهای اخلاقی مرسوم جامعه هنجارگرایی شناخته می‌شود (فیلد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸). در این پژوهش هنجارگرایی از طریق معرف‌های «همیاری»، «همکاری»، «ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها»، «احساس اثرگذاری»، «وساطت اجتماعی» و «حمایت اجتماعی» ارزیابی می‌شود. «همیاری» به احساس درونی افراد برای کمک به دیگران اشاره می‌کند و باعث تعادل بین منافع فردی و جمعی می‌شود (Krishna & Shrader, 2000). «همکاری» در گروه‌های مردمی برای دستیابی به هدفی مشترک صورت می‌گیرد (Grootaert, 2005). «وساطت اجتماعی» به معنای حضور فرد به عنوان میانجی‌گر در حل اختلافات میان آشنایان، همسایه‌ها و همکاران است (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۰). «حمایت اجتماعی» حمایت افراد از یکدیگر است که به صور مالی و عاطفی در زمان نیازمندی فراهم شده باشد (Australian Bureau of Statistics, 2003).

اتصال به شبکه‌های اجتماعی: شبکه اجتماعی، ساختاری اجتماعی است که به سبب همبستگی میان اعضای گروه تشکیل می‌شود (فیلد، ۱۳۸۸، ص ۹). ایجاد فرصت‌های شغلی، کاهش اضطراب، افزایش اعتماد به نفس، موفقیت و تسهیل فعالیت‌های روزانه، از جمله نتایج اتصال به شبکه‌های اجتماعی است (شفیعا و شفيعا، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶-۱۴۵). در پژوهش حاضر این شاخص از طریق معرف‌های «مشارکت اجتماعی»، «مشارکت مدنی» و «انسجام اجتماعی» سنجش شده است. «مشارکت اجتماعی» نوعی مشارکت است که برای فرد رضایت به بار می‌آورد و عامل

شکل‌دهی به روابط و سازنده شبکه‌های حمایتی بالقوه است (اسماعیلی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۰). «مشارکت مدنی» فعالیتی است که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، انجمن‌ها و نیز سازمان‌های غیردولتی بوده و در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. «انسجام اجتماعی» بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی است که افراد در آن‌ها مشارکت دارند (Grootaert, 2005). در جدول ۵، شاخص‌ها و معرف‌های سرمایه اجتماعی و گویه‌های مطرح‌شده برای سنجش هر معرف، گردآوری شده است.

جدول ۵. تعریف متغیر مستقل پژوهش و گویه‌های آن

شاخص‌ها	معرف‌های سنجش	گویه‌ها
اعتماد	الف) اعتماد رسمی	اعتماد به نهادهای اجتماعی و عمومی، اعتماد به اعضای شورایی، اعتماد به کارکنان دولتی، اعتماد به صحت اخبار شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، تعاملات شغلی، معاشرت فرد با دوستان خود در محیط کاری.
	ب) اعتماد غیررسمی	اعتماد به اعضای خانواده، اعتماد به اقوام و خویشان، اعتماد به دوستان نزدیک، اعتماد به همسایه‌ها، قرض دادن پول به همسایه‌ها، قرض دادن وسیله به همسایه‌ها، وجود کسی که به فرد پول قرض دهد، ضمانت مالی.
	ج) اعتماد تعمیم‌یافته	حسن ظن نسبت به همه افراد در روابط اجتماعی، تعداد دوستان فرد، معاشرت فرد با دوستان خود خارج از محیط کاری، مشارکت در بازی‌های گروهی، تعاملات با همسایگان، تعاملات با خانواده و دوستان.
	د) احساس امنیت	امنیت فردی، بیرون‌ماندن بعد از تاریکی هوا، بازی کودکان در کوچه بدون نظارت والدین، آرامش در منزل.
هنجارگرایی	الف) همیاری	تمایل به کمک به همسایگان و اعضای محل، تمایل به کمک به افراد ناشناس، احساس مفیدبودن در حل مشکل آشنایان، احساس مفیدبودن در حل مشکل غریبه‌ها.
	ب) همکاری	یاوربودن، همکاری با گروه‌های محلی در انجام فعالیت‌های اجتماعی.
	ج) وساطت اجتماعی	حل اختلافات میان همسایه‌ها، حل اختلافات میان همشهری‌ها، حل اختلافات میان اعضای فامیل.
	د) حمایت اجتماعی	حمایت مالی از آشنایان، حمایت عاطفی، دلداری در بحران‌های عاطفی.

ادامه جدول ۵. تعریف متغیر مستقل پژوهش و گویه‌های آن

شاخص‌ها	معرف‌های سنجش	گویه‌ها
اتصال به شبکه‌ها	الف) مشارکت اجتماعی	ارتباط با شبکه‌های اجتماعی رسمی مانند گروه‌های مذهبی، سیاسی و ورزشی، مشارکت در فعالیت‌های مدنی و انجمن‌های داوطلبانه، شرکت در راهپیمایی، شرکت در رویدادهای اجتماعی (مراسم عزاداری و جشن‌ها)، شرکت در انتخابات و رأی‌گیری‌ها، شرکت در گروه‌های آموزشی.
	ب) مشارکت مدنی	عضویت در گروه‌های خانوادگی، دوستان، همسایگان و همکاران، وجود کسانی که در مواقع بحرانی به کمک فرد بیایند، وجود افرادی غیر از اعضای خانواده که در مواقع لازم به فرد دل‌داری و آرامش دهند، مشارکت با همسایه‌ها در انجام‌دادن مراسم مذهبی، شرکت در تصمیم‌گیری‌های محله.
	ج) انسجام اجتماعی	صرف زمان و هزینه برای حل مشکل همسایه‌ها، دلبستگی به همسایه‌ها، صرف هزینه برای بهبود محله، وجود کسی که برای پیدا کردن شغل به فرد کمک کند، بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران.

متغیر وابسته پژوهش: رضایت از زندگی

در پژوهش حاضر با توجه به قرابت ابعاد ذهنی با مفهوم سرمایه اجتماعی، «بعد ذهنی کیفیت زندگی» برای ارزیابی به‌کار گرفته شده است. جنبه ذهنی عبارت است از کیفیت زندگی افراد متکی بر ابزار پیمایش، برای به‌دست‌آوردن ارزیابی آن‌ها از تجارب زندگی در قالب گزارش شخصی از رضایتمندی، شادی و رفاه. در پژوهش رضایتمندی به عنوان یک «متغیر بسیط» موضوعی مستقل و کلی است. برای سنجش رضایتمندی به عنوان یک شاخص ذهنی، به‌طور مستقیم از وضعیت کنونی زندگی ساکنان پرسش می‌شود و از معرف‌هایی که بیانی قابل اندازه‌گیری از حس رضایت فرد دارند، بهره گرفته می‌شود. معرف‌های سنجش رضایت از کیفیت زندگی در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶. تعریف متغیر وابسته پژوهش و گویه‌های آن

معرف‌های رضایتمندی	گویه‌ها
علاقه به زندگی	زندگی کردن را دوست دارم و در مقابل مشکلات مقاومت می‌کنم.
احساس خوشبختی	خود را جزء انسان‌های خوشبخت می‌پندارم و خوشحالم.
امکان رسیدن به آرزوها	در زندگی رو به پیشرفت هستم و به آرزوهای خود خواهم رسید.
رفاه در زندگی	چیزهایی را که دوست دارم داشته باشم در اختیار دارم.
لذت از زندگی	این ایام بهترین سال‌های زندگی من است.
تمایل به ثبات	شرایط موجود زندگی‌ام را حفظ خواهم کرد.

روش پژوهش

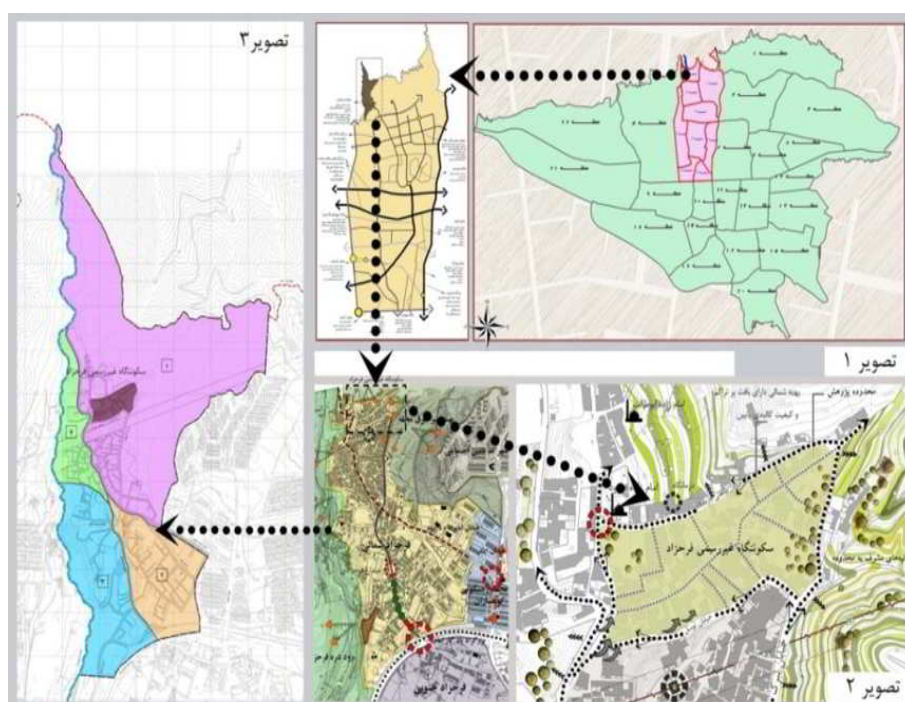
این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر رویکرد کمی است. برای کنترل و سنجش متغیرها از روش توصیفی بهره گرفته شده و از بین روش‌های تحقیق توصیفی، راهبرد همبستگی برای دستیابی به اهداف مورد نظر به کار گرفته شده است. پس از تدوین طرح پیشنهادی با بررسی مبانی نظری، مفاهیم و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و رضایتمندی استخراج شد. سپس، تحقیقات تجربی مرتبط با موضوع بررسی شد و از تلفیق این دو، مدل مفهومی تحقیق به دست آمد. این مدل مبنای تدوین پرسشنامه پژوهش قرار گرفت. بنا بر الگوی نظری و ماهیت تحقیقات همبستگی، رابطه بین رضایت از زندگی به عنوان متغیر وابسته، و سرمایه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد و فرضیه اصلی تحقیق به این شرح تدوین شد: «بین سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی رابطه معنادار وجود دارد». متغیرها و سازه‌های تحقیق با ابزار پرسشنامه اندازه‌گیری شد. برای سنجش شاخص‌ها برای هر شاخص چند معرف در نظر گرفته شد و پرسشنامه براساس آن تنظیم شد. پرسشنامه‌ها حاوی ۳۹ پرسش ناظر بر ابعاد سرمایه اجتماعی و نیز رضایتمندی ساکنان از کیفیت زندگی بودند. پرسش‌ها براساس طیف لیکرت^۱ درجه‌بندی شد و پاسخ‌ها به پنج دسته خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم، تقسیم شدند. برای تحلیل یافته‌ها و بررسی فرضیه‌ها، دو آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره به کار گرفته شد. برای برآورد روایی ابزار ابزار پژوهش، اعتبار صوری بررسی شده، و پایایی ابزار پژوهش، آلفای کرونباخ محاسبه و بررسی شد. طبق جدول ۷ آلفای محاسبه شده برای هر متغیر عددی مطلوب است و گویه‌ها همبستگی درونی دارند.

جدول ۷. بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

نوع متغیر	عنوان متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
متغیر مستقل	اعتماد و قابلیت‌های آن	۱۲	۰/۹۴
	هنجارگرایی	۱۲	۰/۹۱
	اتصال به شبکه‌ها	۹	۰/۹۰
متغیر وابسته	رضایتمندی از کیفیت زندگی	۶	۰/۷۴

1. Likert Scales

جامعه آماری پژوهش، شامل همه سرپرستان خانوار در سکونتگاه غیررسمی فرحزاد شمالی است که براساس آمار مرکز بهداشت محله، ۱۰۵۰ خانوار بوده‌اند و با رابطه کوکران^۱ نمونه‌ای معادل ۱۱۰ نفر به‌دست آمد. نمونه‌برداری از جامعه آماری، به روش تصادفی ساده انجام گرفت.



شکل ۳. موقعیت محدوده در شهر تهران و منطقه ۲ (تصویر ۱). شکل ۴. موقعیت سکونتگاه غیررسمی فرحزاد در محله و در ارتباط با عناصر هم‌جوار (تصویر ۲). شکل ۵. چهار محدوده فرحزاد شمالی (تصویر ۳)

یافته‌های پژوهش

جدول ۸ نشان‌دهنده وضعیت میانگین نمره پاسخگویان برای متغیرهای پژوهش است.

۱. جایی که ضریب اطمینان برابر با ۹۵ درصد، N برابر با حجم جامعه p=q=0.5 و z=1.96 است.
$$n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2 + z^2pq}$$

جدول ۸. توزیع نسبی ابعاد سرمایه اجتماعی در سکونتگاه غیررسمی فرحزاد

شاخص	معرف‌ها	میانگین از ۵	انحراف معیار	آلفای کرونباخ	میانگین کل
اعتماد	الف) اعتماد رسمی	۳,۰۴	۰,۸۲	۰,۸۵	۲,۶۱
	ب) اعتماد غیررسمی	۲,۶۱	۰,۸۶	۰,۸۷	
	ج) اعتماد تعمیم‌یافته	۲,۲۰	۰,۷۸	۰,۸۴	
	د) احساس امنیت	۲,۵۸	۰,۷۷	۰,۸۶	
هنجارگرایی	الف) همیاری	۲,۵۴	۰,۹۰	۰,۸۷	۲,۳۸
	ب) همکاری	۲,۴۷	۱,۰۹	۰,۸۹	
	ج) وساطت اجتماعی	۲,۳۴	۰,۹۸	۰,۹۲	
	د) حمایت اجتماعی	۲,۱۹	۰,۹۳	۰,۸۸	
اتصال به شبکه‌ها	الف) مشارکت اجتماعی	۲,۱۲	۰,۹۲	۰,۹۳	۲,۰۶
	ب) مشارکت مدنی	۱,۹۰	۰,۹۳	۰,۸۶	
	ج) انسجام اجتماعی	۲,۱۶	۰,۹۱	۰,۹۰	

اولین شاخص سنجش سرمایه اجتماعی، اعتماد و قابلیت‌های آن است. این متغیر با میانگین ۲,۶۱ از وضعیت مناسبی در محدوده برخوردار نمی‌باشد. همچنین، در میان معرف‌های اعتماد، اعتماد تعمیم‌یافته با میانگین ۲,۲۰ نسبت به معرف‌های احساس امنیت ($M=۲,۵۸$) و اعتماد غیررسمی ($M=۲,۶۱$) وضعیت نامساعدتری دارد. معرف اعتماد رسمی در محدوده متوسط ارزیابی شده است ($M=۳,۰۴$). شاخص بعدی هنجارگرایی سرمایه اجتماعی است که میانگین نمره آن ۲,۳۸ و در محدوده زیر متوسط ارزیابی شده است. همچنین، در میان معرف‌های آن، حمایت اجتماعی با میانگین ۲,۱۹ نسبت به سه معرف دیگر از وضعیت نامساعدتری در محدوده برخوردار است. میانگین نمره معرف‌های همیاری ($M=۲,۵۴$)، همکاری ($M=۲,۴۷$) و وساطت اجتماعی ($M=۲,۳۴$) بسیار نزدیک به هم بوده و در میانه محدوده کم و متوسط ارزیابی شده است. شاخص دیگر وضعیت اتصال به شبکه‌ها را با میانگین ۲,۰۶ در محدوده نشان می‌دهد که از مقدار متوسط ۳ کمتر است. در میان معرف‌های این شاخص، مشارکت مدنی با میانگین ۱,۹۰، نسبت به دو معرف دیگر، شرایط نامساعدتری دارد و در کل، میانگین نمره سه متغیر در محدوده زیر متوسط ارزیابی شده است. براساس میانگین‌ها بعد اتصال به شبکه‌ها، نسبت به دو شاخص اعتماد و هنجارگرایی

از وضعیت نامساعدی در سکونتگاه غیررسمی فرحزاد برخوردار است و میانگین آن در طیف لیکرت در محدوده پایین قرار می‌گیرد. در مجموع، با توجه به جدول ۸، وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی در سکونتگاه غیررسمی فرحزاد، بین سطح پایین و متوسط ارزیابی شده است. برای سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی، پرسش‌ها براساس جدول ۹ مطرح شدند. قرارگیری میانگین رضایتمندی ($M=2/72$) در محدوده زیر متوسط، نشان‌دهنده وضعیت نامساعد این متغیر در محدوده است. طبق جدول ۹، تمایل به ثابت نگه‌داشتن وضع موجود ($M=2/80$) و احساس خوشبختی ($M=2/76$)، در میان ساکنان بالاترین میانگین را دارد. در مقابل، رضایت از میزان رفاه در زندگی آن‌ها ($M=2/48$) نسبت به سایر عوامل، در محدوده پایین‌تری است. در مجموع، رضایتمندی از کیفیت زندگی در این محدوده، براساس طیف لیکرت بین پایین و متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۹. توزیع پاسخ‌های نمونه پژوهش به گویه‌های متغیر رضایت از زندگی

رضایتمندی از کیفیت زندگی	میانگین	انحراف معیار	آلفای کرونباخ	میانگین کل
میزان علاقه به زندگی	۲/۶۹	۰/۵۷	۰/۷۴	۲/۷۲
احساس خوشبختی	۲/۷۶	۰/۶۶		
امکان رسیدن به آرزوها	۲/۷۵	۰/۵۶		
رفاه در زندگی	۲/۴۸	۰/۷۳		
لذت از زندگی	۲/۸۸	۰/۶۵		
تمایل به ثابت نگه‌داشتن شرایط موجود	۲/۸۰	۰/۶۸		

براساس فرضیه اصلی پژوهش، میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از کیفیت زندگی رابطه معنادار برقرار است. این فرضیه قابل تعمیم به یازده فرضیه فرعی است. فرضیه‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره تحلیل شدند. جدول ۱۰، همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته را نشان می‌دهد. براساس جدول بین معرف‌های اعتماد با رضایتمندی رابطه معنادار برقرار است و با افزایش این مؤلفه‌ها رضایتمندی نیز افزایش خواهد یافت. فرضیه‌های یادشده در سطح $P<0/01$ معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری هستند. در

میان معرف‌های هنجارگرایی، بین عوامل همیاری، همکاری، وساطت اجتماعی و حمایت اجتماعی با رضایتمندی از کیفیت زندگی رابطه معنادار و مثبت برقرار است، به‌طوری که با بهبود این عوامل رضایتمندی ساکنان نیز ارتقا خواهد یافت. فرضیه‌های یادشده تأیید می‌شود و به کل جامعه آماری تعمیم می‌یابند. در میان معرف‌های اتصال به شبکه‌ها، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی رابطه معنادار با رضایت از کیفیت زندگی دارند. پس با افزایش این عوامل رضایتمندی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه‌های یادشده در سطح $P < 0.05$ معنادارند و پذیرفته می‌شوند.

همچنین، براساس جدول ۹، بین مشارکت مدنی و رضایتمندی از کیفیت زندگی ارتباط معناداری وجود ندارد به این معنا که با تغییر این عامل، رضایتمندی ساکنان تغییری نخواهد کرد. بنابراین، فرضیه یادشده رد می‌شود. براساس ضرایب به‌دست‌آمده، اعتماد غیررسمی مربوط به شاخص اعتماد در سنجش سرمایه اجتماعی، بیشترین رابطه معنادار را با رضایتمندی دارد.

جدول ۱۰. ارتباط ابعاد سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی

فرضیه‌ها	ضریب همبستگی	سطح معناداری	ارتباط
ارتباط بین اعتماد رسمی و رضایت از زندگی	۰/۴۶۰***	۰/۰۰۰	دارد
ارتباط بین اعتماد غیررسمی و رضایت از زندگی	۰/۴۸۱***	۰/۰۰۰	دارد
ارتباط بین اعتماد تعمیم‌یافته و رضایت از زندگی	۰/۴۶۶***	۰/۰۰۰	دارد
ارتباط بین احساس امنیت و رضایت از زندگی	۰/۴۲۵***	۰/۰۰۰	دارد
ارتباط بین همیاری و رضایت از زندگی	۰/۲۳۲*	۰/۰۱۵	دارد
ارتباط بین همکاری و رضایت از زندگی	۰/۱۸۹*	۰/۰۴۸	دارد
ارتباط بین وساطت اجتماعی و رضایت از زندگی	۰/۲۲۹*	۰/۰۱۶	دارد
ارتباط بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی	۰/۳۰۱***	۰/۰۰۱	دارد
ارتباط بین مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی	۰/۲۲۹*	۰/۰۱۶	دارد
ارتباط بین مشارکت مدنی و رضایت از زندگی	۰/۰۹۲	۰/۳۴	ندارد
ارتباط بین انسجام اجتماعی و رضایت از زندگی	۰/۱۹۷*	۰/۰۳۹	دارد

* سطح خطا معادل ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است.

** سطح خطا معادل ۰/۰۱ در نظر گرفته شده است.

در ادامه، هدف از انجام دادن تحلیل رگرسیونی تعیین سهم و تأثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است. براساس جدول ۱۱، اولین و قوی‌ترین متغیر واردشده به معادله رگرسیون، متغیر اعتماد غیررسمی است که ۲۳ درصد متغیر وابسته را تبیین می‌کند. حمایت اجتماعی در درجه دوم وارد معادله می‌شود و با رساندن ضریب تعیین به ۳۵ درصد، قدرت تبیین را ۱۲ درصد بالا می‌برد. در مرحله سوم، متغیر مستقل همیاری وارد معادله می‌شود و مقدار ضریب تعیین را به ۴۰ درصد می‌رساند. این متغیر موجب می‌شود به قدرت مدل ۵ درصد افزوده شود. پس از آن مشارکت اجتماعی وارد معادله شده و با رساندن ضریب تعیین به ۴۶ درصد قدرت تبیین‌کنندگی مدل را ۶ درصد افزایش می‌دهد. در گام آخر، متغیر اعتماد رسمی وارد مدل می‌شود. این متغیر نیز با رساندن ضریب تعیین به ۵۲ درصد، ۶ درصد به قدرت تبیین‌کنندگی مدل می‌افزاید. این پنج متغیر، ۵۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. در میان متغیرهای واردشده، دو مورد آن مربوط به شاخص اعتماد و قابلیت‌های آن، دو مورد مربوط به شاخص هنجارگرایی و یک مورد نیز مربوط به شاخص اتصال به شبکه‌ها است. براساس جدول ۱۱، میزان آماره F در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. این معادله رگرسیونی از نظر آماری معتبر و قابل قبول است.

جدول ۱۱. تحلیل رگرسیونی رابطه ابعاد سرمایه اجتماعی با رضایتمندی از کیفیت زندگی

مراحل	متغیر	همبستگی	ضریب تعیین	تغییل شده	ضریب تعیین	تغییرات	استاندارد داننده	ضریب مسیر	استاندارد شده	ضریب مسیر	آماره تی	آماره F	ضریب معناداری (برای آماره تی)
۱	اعتماد غیررسمی	۰/۴۸۱	۰/۲۳۲	۰/۲۲۵	۰/۲۳۲	۰/۲۴۰	۰/۴۸۱	۰/۷۰۹	۳۲/۵۸۸	۰/۰۰۰			
۲	حمایت اجتماعی	۰/۵۹۰	۰/۳۴۸	۰/۳۳۶	۰/۱۱۶	۰/۱۵۷	۰/۳۴۲	۴/۳۶۱	۲۸/۵۲۳	۰/۰۰۰			
۳	همیاری	۰/۶۳۱	۰/۳۹۸	۰/۳۸۱	۰/۰۵۰	۰/۱۰۹	۰/۲۲۹	۲/۹۷۲	۲۳/۳۵۱	۰/۰۰۴			
۴	مشارکت اجتماعی	۰/۶۷۷	۰/۴۵۹	۰/۴۳۸	۰/۰۶۱	۰/۱۵	۰/۲۴۸	۳/۴۳۷	۲۲/۲۵۲	۰/۰۰۱			
۵	اعتماد رسمی	۰/۷۲۱	۰/۵۱۹	۰/۴۹۶	۰/۰۶۱	۰/۱۶۲	۰/۳۱۱	۳/۶۱۹	۲۲/۴۷۱	۰/۰۰۰			

Sig=.,.,. F=20,837

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سرمایه اجتماعی، با نگرش سرمایه‌محور به زنجیره‌های ارتباطی افراد، این ارتباطات را به صورت یک دارایی مورد توجه قرار می‌دهد. در پژوهش‌های مختلف تأثیر سرمایه اجتماعی بر مفاهیمی مانند سلامت روان، رضایت شغلی و بسیاری دیگر از جنبه‌های زندگی به اثبات رسیده است. در حوزه مسائل شهری و توسعه پایدار نیز بررسی تأثیر این مفهوم بر کیفیت زندگی می‌تواند زمینه‌ساز ورود آن به حوزه برنامه‌ریزی و در نتیجه کاربردی‌شدن توجه به مسائل اجتماعی در توانمندسازی سکونتگاه‌های گوناگون شود. در این گفتار به ساختاری از سرمایه اجتماعی اشاره شد که در بستر مفاهیم اعتماد، هنجارگرایی و اتصال به شبکه‌ها، با رویکرد ارتقای رضایتمندی ساکنان سکونتگاه غیررسمی فرحزاد شکل گرفته است. این سکونتگاه مسائل حاد و بغرنجی دارد که موجب افت کیفیت زندگی در آن شده و ارتقای سرمایه اجتماعی می‌تواند جهت دستیابی به کیفیت زندگی بهتر مورد توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف تعیین ابعاد و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، سنجش این ابعاد در کنار سنجش رضایتمندی از کیفیت زندگی و شناخت میزان تأثیر شاخص‌ها بر رضایتمندی انجام گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از نامساعد بودن ابعاد سرمایه اجتماعی و همچنین، پایین بودن سطح رضایتمندی در سکونتگاه غیررسمی فرحزاد است. وضعیت شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رضایتمندی ساکنان در این محدوده براساس طیف لیکرت بین سطح پایین و متوسط ارزیابی شده است. از بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، شاخص اعتماد و میان معرف‌های آن اعتماد رسمی، بالاترین و شاخص اتصال به شبکه‌ها با معرف مشارکت مدنی، پایین‌ترین میانگین را دارد. نتایج تحلیل یافته‌ها به شرح زیر است:

۱. طبق نتایج آزمون همبستگی پیرسون معرف‌های شاخص اعتماد و قابلیت‌های آن شامل اعتماد رسمی، اعتماد غیررسمی، اعتماد تعمیم‌یافته و احساس امنیت، بیشترین رابطه معنادار را با رضایتمندی ساکنان دارند. شاخص هنجارگرایی شامل مؤلفه‌های همیاری، همکاری، حمایت اجتماعی و وساطت اجتماعی نیز ارتباط مستقیم و معنادار با شاخص رضایتمندی دارند. در میان مؤلفه‌های شاخص اتصال به شبکه‌ها نیز مشارکت اجتماعی و

انسجام اجتماعی رابطه معنادار با رضایتمندی از کیفیت زندگی دارند. یافته‌های این بخش نشان‌دهنده تأثیر سرمایه اجتماعی در افزایش رضایتمندی ساکنان در محدوده مورد بررسی است.

۲. با استفاده از مدل رگرسیونی چندمتغیری، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته به روش گام‌به‌گام تحلیل شد. این مدل به لحاظ آماری معنادار بود و ۵۲ درصد تغییر در متغیر وابسته رضایت از کیفیت زندگی را تبیین کرد. مدل پنج مرحله را در پی داشت که اعتماد غیررسمی، اولین متغیر و اعتماد رسمی آخرین متغیری بود که به مدل وارد شد. براساس نتایج اعتماد غیررسمی سهم بالایی از تبیین واریانس کل رضایت از کیفیت زندگی را به خود اختصاص داده است.

ابعاد سرمایه اجتماعی بیان‌کننده ویژگی‌ها و شرایط مختلف مؤثر بر زندگی ساکنان است که بر رضایتمندی آنان تأثیر بسیار دارد. با توجه به وجود رابطه معنادار میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی و رضایتمندی از کیفیت زندگی، بی‌توجهی به سرمایه اجتماعی در تمهیدات برنامه‌ریزی و مداخله در این ناحیه، ارتقای کیفیت زندگی و دستیابی به اهداف توسعه پایدار را با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد کرد. بنابراین، توصیه می‌شود که مفهوم سرمایه اجتماعی، سنجش شاخص‌های آن در سطح محلی و فرامحلی و تصمیم‌گیری براساس نتایج در اولویت توجه برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و طراحان قرار گیرد. همچنین، در میان شاخص‌های سرمایه اجتماعی، شاخص اعتماد که زیربنا و زمینه اصلی همگرایی، همکاری و تعامل میان گروه‌های اجتماعی است، نسبت به سایر شاخص‌ها از میانگین بالاتری دارد. بنابراین، به‌کارگیری این ظرفیت به‌ویژه بعد اعتماد غیررسمی که بیشترین رابطه معنادار را با رضایتمندی ساکنان دارد، امکان بهره‌برداری و استفاده بهینه از ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی، تحکیم پیوندهای میان افراد و کاهش تفاوت‌ها و تمایزهای فرهنگی و اجتماعی را در چارچوب برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذشده فراهم می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. ابادری، یوسفعلی، و همکاران (۱۳۸۳). رضایت از زندگی و ارزیابی اجتماعی، کارگاه تحلیل یافته‌های پیمایش ارزش‌ها، طرح‌های ملی.
۲. اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵). بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
۳. اونق، نازمحمد (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی و رفاه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۴. ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی. شهرداری تهران.
۵. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۴). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
۶. پیران، پرویز (۱۳۶۶ و ۱۳۶۷). شهرنشینی شتابان و ناهمگون. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۱۵ تا ۲۳.
۷. پیران، پرویز (۱۳۸۲). باز هم در باب اسکان غیررسمی. فصل‌نامه هفت‌شهر، سال ۳، شماره‌های ۹ و ۱۰، صفحات ۷-۲۴.
۸. پیران، پرویز، موسوی، میرطاهر، و شیانی، ملیحه (۱۳۸۵). کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی با تأکید بر شرایط ایران. فصل‌نامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۳، صفحات ۴۴-۹.
۹. پیری، عیسی، و رضاییان، مهدی (۱۳۹۳). امکان‌سنجی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی بر بنیان سیاست‌های دارایی مبنای توسعه اجتماعات محلی. فصل‌نامه مطالعات شهری، شماره ۱۰/ف، صفحات ۷۲-۶۳.
۱۰. تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۵). رابطه بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی. فصل‌نامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۲، صفحات ۲۵۸-۲۳۹.

۱۱. چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
۱۲. خوشفر، غلامرضا، خواجه شاهکوهی، علیرضا، کرمی، شهاب، و بارگاهی، رضا (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در نواحی شهری. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، شماره ۹، صفحات ۱۷۸-۱۵۱.
۱۳. شریفیان ثانی، مریم و سعیدآبادی، امیر (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، صفحات ۶۵-۴۵.
۱۴. شفیعا، محمدعلی، و شفیعا، سعید (۱۳۹۱). بررسی رابطه توسعه پایدار اجتماعی و سرمایه اجتماعی. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۴۶، صفحات ۱۶۴-۱۳۹.
۱۵. شکری فیروزجاه، پری، و غنی‌پور، مهدی (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل کیفیت محیط زندگی در سکونتگاه‌های غیررسمی. *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، شماره ۵۱، صفحات ۶۶-۵۱.
۱۶. شیعه، اسماعیل، حبیبی، کیومرث، و کمالی‌نسب، حامد (۱۳۸۹). الگوی شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی با به‌کارگیری مدل AHP در محیط GIS نمونه شهر کرج. *آرمان‌شهر*، شماره ۴، صفحات ۸۵-۷۷.
۱۷. شیعه، اسماعیل، حبیبی، کیومرث، و کمالی‌نسب، حامد (۱۳۹۰). فرایند شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۳، صفحات ۴۸-۳۹.
۱۸. صادقی، رسول، و نقدی، اسدالله (۱۳۸۵). حاشیه‌نشینی چالشی فراوری توسعه پایدار شهری. *جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*، شماره ۲۰، صفحات ۲۳۴-۲۱۳.
۱۹. صرافی، مظفر (۱۳۸۷). به سوی تدوین راهبرد ملی ساماندهی اسکان غیررسمی. *فصلنامه هفت‌شهر*، شماره‌های ۹ و ۱۰، صفحات ۶-۳.
۲۰. عظیمی، آزاده (۱۳۸۹). شاخص‌های کیفیت زندگی شهری. *مجله شوراها*، شماره ۵۵، صفحات ۸-۴.
۲۱. عظیمی، مژگان (۱۳۸۲). *رابطه رضایت از زندگی و دینداری در بین دانش‌آموزان*. مشهد: اداره تحقیقات آموزش و پرورش خراسان.
۲۲. علیخواه، فریدون (۱۳۸۳). *سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی*. تهران: طرح‌های ملی.

۲۳. غفاری، غلامرضا، و اونق، نازمحمد (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی: مطالعه موردی شهر گنبد کاووس. *مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱، صفحات ۱۹۹-۱۵۹.
۲۴. فیلد، جان (۱۳۸۸). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه غلامرضا غفاری، چاپ دوم، تهران: کویر.
۲۵. قادری، احمد، و تقوی، نعمت‌الله (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با کیفیت زندگی شهروندان شهر سقز. *مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره ۱۹، صفحات ۱۲۶-۱۱۱.
۲۶. قرخلو، مهدی؛ عبدی ینگى کند، ناصح، و زنگنه شهرکی، سعید (۱۳۸۸). تحلیل سطح پایداری شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی. *فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۶۹، صفحات ۱-۱۶.
۲۷. قهرمان، آرش (۱۳۸۹). بررسی مفهوم رضایت از زندگی و سنجش آن در میان دانشجویان دختر و پسر. *دوفصل‌نامه تخصصی پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره ۴، صفحات ۸۱-۱۰۶.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
۲۹. ماجدی، سید مسعود، و لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی. *روستا و توسعه*، دوره ۹، شماره ۴، صفحات ۹۱-۱۳۵.
۳۰. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰). *بررسی آگاهی‌ها نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران*. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
۳۱. محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی و سنجش آن*. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
۳۲. معیدفر، سعید، و ذهانی، قربانعلی (۱۳۸۴). بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱، صفحات ۱۵۰-۱۳۵.
۳۳. نایی، هوشنگ (۱۳۷۵). *سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه‌شناسی، تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد.
۳۴. نوابخش، مهرداد، و فدوی، جمیله (۱۳۸۷). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳، صفحات ۴۷-۲۵.

۳۵. نوغانی، محسن، اصغریور، احمدرضا، کرمانی، مهدی، و صفا، شیما (۱۳۸۷). کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی. *مجله علوم/اجتماعی*، سال ۵، صفحات ۱۴۰-۱۱۱.
۳۶. وصالی، سعید، و توکل، مهدی (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی در شهر تهران. *نشریه مطالعات شهری*، سال ۲، شماره ۲، صفحات ۱۹۷-۲۲۰.

37. Adams, D. (1969). Analysis of life satisfaction index. *Journal of Gerontology*, 24(4), 470-474.
38. Adler, P., & Kwon, S. (2000). *Social capital: The good, The Bad and the Ugly*. Boston: Butterworth-Heinemann Press.
39. Australian Bureau of Statistics (2003). *ABS Draft Social Capital Indicators for Discussion at Workshop*. Wednesday 4th June.
40. Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*, Handbook of Theory and Research for Sociology of Education. N. Y. Greenwood Press.
41. Bowling, A. (1997). *Measuring health: A review of quality of life measurement scales*. Main Head: Open University Press.
42. Brehm, J., & Rahn, W. (1997). Individual level evidence for the causes and consequence of social capital. *Journal of political Science*, 41, 888-1023.
43. Buck, N. (2005). social cohesion in cities. In *Changing Cities: Rethinking Urban competitiveness*, London: Palgrave Macmillan, pp.44-61.
44. Coleman, J. S. (1990). *Equality and Achievement in Education*. San Francisco: West View Press.
45. Costanza, R. (2007). *Quality of Life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being*. *Ecological Economics*, 61(2-3), 267-276.
46. Cutter, S. L. (1985). *Rating place: A geographers view on quality of life*. Resource Publication in Geography The Association Of American Geographers.
47. Drukker, M. C., & Kaplan, A. (2003). Children's Health-related Quality of Life. *Social Science and Medicine*, 57(5), 825-841.
48. Edwards, R. W. (2004). *Measuring Social Capital, An Australian Framework and Indicators*. Canberra Time, the Australian Bureau of Statistics.
49. Fokuyama, F. (1997). *Social capital*. Oxford: Brasenose College.
50. Grootaert, L. (2005). *Measuring social capital an integrated questionnaire*, World Bank Working Paper.
51. Harper, R., & Kelly, M. (2003). *Measuring social capital in the United Kingdom*. London: Office for National Statistics.
52. Harpham, T. (1994). *Urbanization and mental health in developing countries: A research role for social scientists, public health professionals and social psychiatrists*. *Social Science and Medicine*, 39(2), 233-245.
53. Kellett, P. (2011). Contemporary vernaculars: Informal housing processes and vernacular theory. *ISVS e-Journal*, 2(1), 1-11.
54. Krishna, A., & Shrader, E. (2000). *Cross-Cultural Measure of Social capital*. Washington DC: World Bank Social Capital Initiative Paper.

55. Lackland, D. (2001). Satisfaction with Life among International Students: An Exploratory Study. *Social Indicators Research*, 53(2), 315-37.
56. Lee, Y. J. (2008). Subjective Quality of Life Measurement in Taipei, *Building and Environment*, 43(7), 1205-1215.
57. Li, Y., Savage, M., & Pickles, A. (2003). Social Capital and Social Exclusion in England. *British Journal of Sociology*, 54, 497-526.
58. Marans, R. W. (2003). *Understanding environmental quality through quality of life studies*. Landscape and Urban Planning.
59. Marmot, M., & Bell, R. (2011). *Social determinants and dental health*. *Adv Dent Res*, 23(2), 201-206.
60. Michelson, W. (2001). An empirical analysis of urban environmental preference. *Institute of Planners*, 31, 355-360.
61. Mignone, J. (2003). Measuring social capital. Ottawa, Ed., and C. I. Information, Trans. Ottawa, *Measuring social capital*.
62. Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital. *Academy of Management Review*, 23(2), 242-260.
63. Nassar, D. M., & Elsayed, H. G. (2017). From informal settlements to sustainable communities. *Alexandria Engineering Journal*, 15, 993-999.
64. Onyx, J., & Bullen, P. (1998). Measuring social capital in five communities in NSW. *Centre for Australian Community Organizations and Management*, Working Paper Series.
65. Onyx, J., & Bullen, P. (2000). Sources of social capital. *Social Capital and Public Policy in Australia*, 105-134.
66. Paxton, P. (1999). Is social capital declining in the United States?. *American Journal of Sociology*, 105, 88-127.
67. Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
68. Putnam, R. (1995). Bowling alone: Americas declining social capital. *Journal of Democracy*, 6, 65-78.
69. Stone, W. (2001). *Measuring social capital*. Melborn: Australian Institute of Family Studies.
70. Turksrer, A. N. E., & Atalik, G. (2001). Possibilities and limitations for the measurement for the quality of life in urban areas. *Social Indicators Research*, 53(2), 168-187.
71. Turner, J. F. C. (1982). Issues in Self-Help and Self-Managed Housing. In Ward, P. (ed.) *Self-Help housing: A critique*, London: Mansell, pp.99-113.
72. UN-Habitat (2013). *The State of the World Cities Report 2012/13*.
73. UN-Habitat (2014). *Street as tools for urban transformation in slums: A street- led approach to city-wide slum upgrading*. Nairobi, Kenya: United Nation human settlement program.
74. Whiteford, H. (2000). *Human capital, social capital and mental health*. World Federation for Mental Health.
75. World Bank (1998). *The initiative of defining, monitoring and measuring social capital*. Social Capital Initiative Working Paper, Washington DC.